

مطالعه نقش فضای باز و الگوی پر و خالی خانه و مسجد در معماری سنتی و بازآفرینی آن در معاصر ایران

محیا قوچانی*، محمد تاجی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۶/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۷/۲۰



چکیده

رعایت الگوهای بومی پر و خالی در خلق فضاهای زندگی ایرانیان منطبق با فرهنگ همسازی با طبیعت در اقلیم‌های مختلف کشور و برای قرن‌های متمادی شیوه عملکرد معماران بوده است. تقریباً بناهای امروزی پیوستگی و مسئولیت خود را نسبت به زمین، آسمان و همجواری‌ها از دست داده‌اند. فضاهای باز به واسطه تقلید ناآگاهانه از معماری تندیس‌وار اروپایی به پس‌مانده و اضافه‌فضاها تبدیل شده و اهمیت پیشین خود را ندارند. این پژوهش با بررسی ویژگی‌های فضای باز در مساجد و خانه‌ها (به عنوان دو عنصر مهم در شکل‌گیری شهرهای ایرانی) به دنبال راهکارهایی برای ایجاد توازن و رابطه مطلوب بین انسان و طبیعت و ایجاد حس تعلق و مشارکت در فضاهای معماری و بازآفرینی مفهوم فضای باز در کالبدی جدید و در مجموع به دنبال احیای دوباره مفهوم حیاط در معماری معاصر است. تحقیق حاضر براساس روش توصیفی و تحلیلی گونه‌های ارتباط فضای باز و بسته انجام شده است. در همین راستا، ۱۲ نمونه پلان مسجد و ۱۲ نمونه پلان خانه در معماری سنتی و بررسی معماری مساجد و خانه‌های دوران معاصر، ارتباط فضای باز و بسته در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و گونه‌بندی شد. نتایج پژوهش بر این مهم تأکید دارد که ارزش‌های نهفته در فضاهای باز و اصول حاکم بر آن‌ها، قابلیت تداوم دارند و استمرار آن‌ها در معماری معاصر می‌تواند کارآمد باشد.

واژگان کلیدی

فضای باز، الگوی پر و خالی، مساجد، معماری سنتی، معماری معاصر.

* m.ghouchani.arch@gmail.com

** mohammadtaji@yahoo.com

* کارشناس ارشد معماری، گروه تحقیقاتی تصمیم‌گیری هوشمندانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران.

** استادیار، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

منظور از فضای باز، فضای میان ساختمان‌ها، قسمت‌های خالی و تهی و فضاهای منفی است که در فرآیند معماری و شهرسازی در کنار فضاهای بسته، مثبت و پر، پدیدار می‌گردند. از آنجا که واژه‌هایی نظیر فضای منفی، تهی، خالی و ساخته نشده دارای بار منفی است، لذا فضای باز شایسته‌ترین واژه به نظر می‌رسد (فرخزاد، ۱۳۹۳: ۸۲).

معماری سنتی ایران متشکل از ترکیب معنادار فضاهای پر و خالی (فضاهای باز و بسته) است. در معماری سنتی ایران فضاهای باز و بسته آنچنان درهم تنیده و بهم پیوسته‌اند که هر کدام شکل دیگری را تعیین می‌کنند و به جرأت می‌توان گفت، غنای معماری سنتی مرهون فهم درست و تلفیق مناسب این دو فضا است. در این معماری قسمت‌های پر و خالی، هر دو دارای اصالت و واجد ارزش هستند و توانسته‌اند کلیت خوانا و قابل درکی را با کیفیتی منحصر به فرد خلق کنند.

در دنیای کنونی افزایش بی‌رویه جمعیت شهرها از یکسو و توسعه بی‌ضابطه شهرها از سوی دیگر و همچنین صنعتی شدن بدون توجه به آسایش و سلامت افراد در فضاهای معماری، جوامع بشری را در معرض بحران قرار داده است. این پژوهش با بررسی ویژگی‌های فضای باز در ۱۲ نمونه مسجد و ۱۲ نمونه خانه (به عنوان دو عنصر مهم در شکل‌گیری شهرهای ایرانی) به دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که چگونه محوریت فضاهای باز نظیر حیاط مرکزی، می‌تواند نقشی سازنده در معماری معاصر داشته باشد؟

این پژوهش بر پایه روش کیفی و بر استدلال منطقی استوار است و روش تحلیل داده‌ها، دستور زبان شکل است. مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای نیز بیان تحلیل و توصیف مطالب این پژوهش است. معیار انتخاب نمونه‌ها در پژوهش حاضر به این صورت است: الف) بناهایی که بیشترین توجه کالبدی و مفهومی را به سبب مهم بودن متوجه خود ساخته‌اند. ب) بناهایی که از نظر شیوه ساخت و ویژگی‌های خاص کالبدی، در سطح کلان مورد توجه معماران در همه اعصار بوده است. در همین راستا، ۱۲ نمونه پلان مسجد و ۱۲ نمونه پلان خانه در معماری سنتی و بررسی معماری مساجد و خانه‌های دوران معاصر، ارتباط فضای باز و بسته در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و گونه‌بندی شد.

پیشینه پژوهش

تحقیقات ارزنده‌ای در زمینه حیاط و تأثیرات آن در معماری صورت گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

هیلن براند [۱] حیاط را یکی از اجزاء مسجد معرفی می‌کند، اما برای آن تنها نقشی واسطه قائل می‌باشد. حیاط مسجد در این نگرش با حیاط کلیسا از حیث مقدمه‌ای برای ورود به حرم قیاس شده است که از حضور فضایی مقدس در پس آن خبر می‌دهد. (هیلن براند، ۲۰۱۱: ۱۰۲). برخی دیگر نیز بی‌آنکه تأکید مستقیم بر وجود حیاط در مسجد داشته باشند، صرفاً از جنبه‌های عرفانی، فرهنگی و عملکردی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. طه‌پوری به نقل از استیرلن [۲] می‌نویسد: (به نظر می‌رسد که حیاط قلب و عمق بنا و سرچشمه آن است؛ گویا کل بنا از این منطقه مرکزی سامان یافته است). حیاط دریچه‌ای به جهان ملکوتی یا عالم آرمانی هر مؤمن، پهنه گشوده‌ای در زیر سقف ملکوتی آسمان است (طه‌پوری، ۱۳۹۱: ۱۵۸). در مقاله "اجتماع‌پذیری در حیاط خانه ایرانی - شناخت ویژگی‌های تقویت‌کننده حضور در حیاط، از طریق تحلیل سکانس‌های سینمایی" نویسندگان به بررسی مجموعه مطلوبی از حوزه‌های کالبدی تا معنایی مؤثر بر اجتماع‌پذیری حیاط خانه ایرانی پرداخته‌اند. (نقره کار و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۳). همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان "بازخوانی فرم حیاط و فضاهای بسته - با استفاده از دستور زبان شکل در معماری در یکصد خانه دوره قاجار" نویسندگان به دنبال طرحی نو با جوهره و معنای معماری سنتی قاجار با محوریت سه موضوع فضای باز و بسته و ایوان می‌باشند (حسنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۲). زهرا احمدی نتایج حاصل از تحقیق خود با عنوان "بازخوانی نقش گمشده حیاط مرکزی در دستیابی به معماری پایدار" حاکی از نقش محوری و اساسی فضاهای باز حیاط مرکزی در خلق معماری بومی پایدار شهر یزد می‌داند (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۷). در مقاله کنکاشی در اصول طراحی فضاهای باز با توجه به پیشینه معماری و شهرسازی ایران نویسندگان چالش‌های حادث شده در ایجاد فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی امروزی را مورد بررسی قرار داده‌اند (فرخزاد و مدیری دوم، ۱۳۹۳: ۸۱). محمود توسلی فضاهای باز را در قالب فضاهای شهری در کتاب اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران مورد توجه قرار داده است (احمدی، ۱۳۹۱: ۲۷).

این پژوهش با بررسی ویژگی‌های فضای باز در مساجد و خانه‌ها (به عنوان دو عنصر مهم در شکل‌گیری شهرهای ایرانی) به دنبال راهکارهایی برای ایجاد توازن و رابطه مطلوب بین انسان و طبیعت و ایجاد حس تعلق و مشارکت در فضاهای معماری و بازآفرینی مفهوم فضای باز در کالبدی جدید و در مجموع به دنبال احیای دوباره مفهوم حیاط در معماری معاصر است.

مبانی و مفاهیم فضای باز در معماری ایرانی

اقلیم خاص کشور ایران و فرهنگ غنی آن باعث گردیده طی تاریخ، تنوع و نوآوری خاصی در معماری آن وجود داشته باشد. به طور کلی می-توان عنوان نمود که در معماری ایران با توجه به شکل‌گیری فضای باز (حیاط) در کنار فضای بسته، دو نوع معماری شکل گرفته است: معماری درون‌گرا و معماری برون‌گرا. در معماری درون‌گرا فضاهای داخلی با فضاهای شهری بیرون، هیچ ارتباط بصری خاصی نداشته و اصولاً هیچ بازشویی رو به کوچه یا گذر در این نوع معماری مشاهده نمی‌گردد و یا اگر هم بازشویی دیده شده، در ارتفاع بالا شکل گرفته تا دید مستقیم را از بین ببرد. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این نوع معماری شامل موارد زیر است:

اقلیم: از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری حیاط مرکزی در شهرها و معماری سنتی - بومی ایران است. اقلیم از دو جهت بر روند شکل‌گیری حیاط مرکزی تأثیرگذار بوده است: اول اینکه برای ایجاد شرایط بهتر اقلیمی، در اغلب بناها، جهت‌گیری ساختمان قابل توجه بوده است. دوم، ساختمان‌ها برای مقابله با شرایط اقلیمی درون‌گرا شدند.

فرهنگ: از دیگر عوامل تأثیرگذار، فرهنگ جاری در بافت‌های سنتی بوده است. حیاط مرکزی جزء عناصر غالب در اکثر شهرهای مسلمین بوده است که اندیشه تأثیرگذار آن، دور نگه داشتن حریم مقدس خانواده از دید غریبه‌ها است.

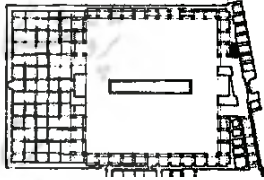
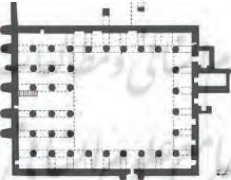
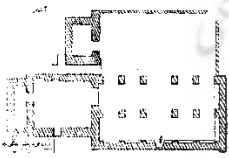
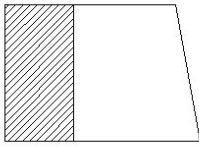
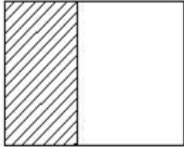
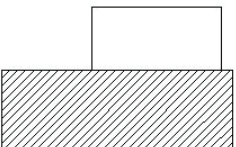
حیاط افزون بر ایجاد وحدت بین عناصر نوعی ارتباط پیمایشی بین آن‌ها ایجاد می‌کند. این ارتباط یا از ورودی ساختمان به قصد دیگر فضاهای پراکنده صورت می‌گیرد و یا با استقرار محوطه اصلی تابستانی و زمستانی در جبهه‌های مختلف ارتباط‌دهنده بخش‌های اصلی می‌باشد.

فضای باز در مساجد

ویژگی‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری حیاط مرکزی در مساجد

فضای باز در مسجد، که معمولاً حیاط نامیده می‌شود، بخشی است که نه تنها باعث ارتقای کیفی معماری مساجد می‌شود، بلکه عبادت در آن اهمیت خاصی دارد (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). انتقال تدریجی فرد از بیرون به درون از طریق ساماندهی مدبرانه فضاهای متنوع، ارتباط او را از دنیای مادی و پرهیاهوی بیرون می‌گسلد و زمینه حضور او را در فضای درون و آرام مسجد آماده می‌سازد. فضایی که پاسخگوی نیاز فرد به تنهایی و خلوت، تفکر و تمرکز و عبادت، در کنار با هم بودن و انجام مناسک مذهبی جمعی است و به دلیل مطلوبیت، احساسی ارزشمند، تعلق خاطر و دلبستگی را به مسجد تقویت می‌نماید.

جدول ۱ - الگوی فضای باز و بسته در مسجد (گونه یک)

نام بنا	مسجد وکیل شیراز	مسجد تاریخانه دامغان	مسجد نو شیراز
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

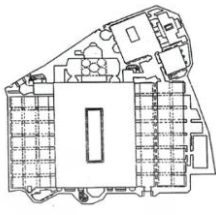
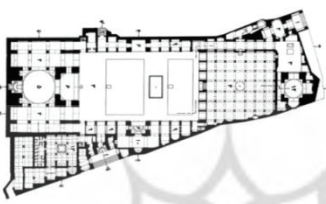
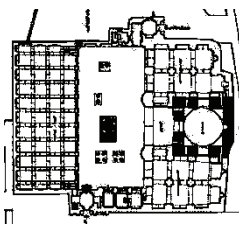
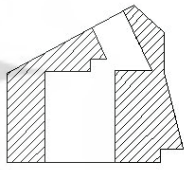
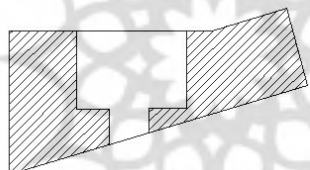
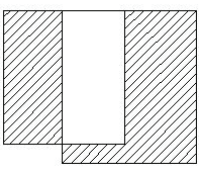
فضاهایی چون صحن‌ها و حیاط مساجد، به عنوان فضای شهری قابلیت کاربردی چون ارتباط و دسترسی با گذرها و مسیرها دارند. در بررسی نظریه‌ها در احتساب حیاط مساجد به عنوان فضا، نقش ارتباط فضایی با ورودی‌های متعدد مهم‌تر به نظر می‌رسد. چرا که حیاط برخی مساجد، ظرفیت بالقوه‌ای برای تداوم حیات بشری، ارتقای هویت و ارتباط با فضای زندگی شهری دارد و باید با توجه به انگاره‌های بدست آمده از

مفاهیم سنتی به ایجاد چنین فضاهایی با عملکردهای اجتماعی و تقویت دسترسی و ارتباط آن تأکید نمود (الهام گرفتن از اصول صحن‌های قدیم، تقویت صحن‌های موجود و تکرار طراحی در آینده). برگزاری آئین‌ها، مناسک و مراسم در حیاط مساجد در شکل‌گیری خاطرات، در طول زمان، در ارتقای حس مکان این فضاها و تقویت و ارتقای حیات شهری آن‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کند. به طور اجمال عواملی چون وجود تعامل اجتماعی و برگزاری مراسم و مناسک، تعدد ورودی‌ها و ارتباط با گذرهای اطراف، حیاط مساجد را در زمره فضای شهری جای می‌دهد.

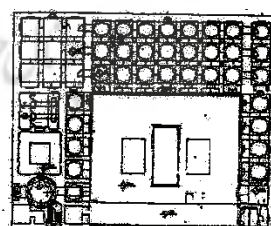
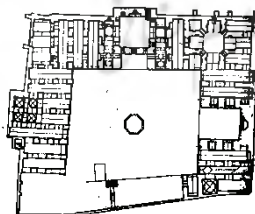
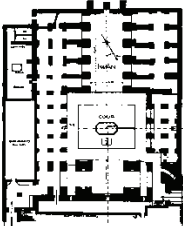
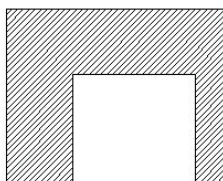
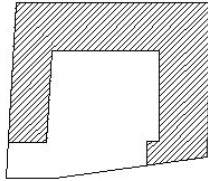
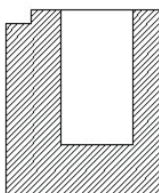
الگوی فضای باز و بسته در مساجد

مجموع ۱۲ مسجد نمونه در این پژوهش با توجه به نحوه ترکیب فضای پر و خالی در چهار الگوی کلی و الگوی پنجم به عنوان الگوی معاصر دسته‌بندی شده‌اند که به شرح جداول ذیل است: [۳]

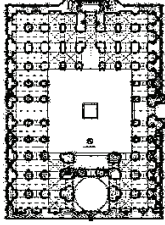
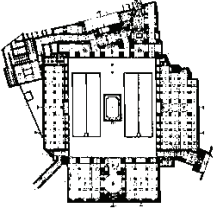
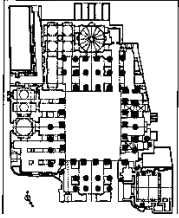
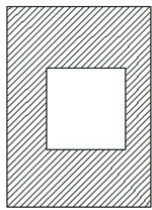
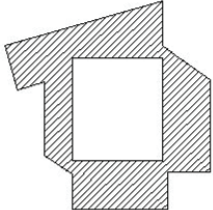
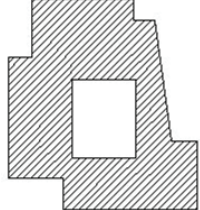
جدول ۲ - الگوی فضای باز و بسته در مسجد (گونه دو)

نام بنا	مسجد نصیر الملک شیراز	مسجد رحیم خان اصفهان	مسجد جامع بروجرد
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

جدول ۳ - الگوی فضای باز و بسته در مسجد (گونه سه)

نام بنا	مسجد میرزاهادی شیراز	مسجد جامع ساوه	مسجد جامع نیریز
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

جدول ۴- الگوی فضای باز و بسته در مسجد (گونه چهار)

نام بنا	مسجد جامع ورامین	مسجد سید اصفهان	مسجد جامع اردستان
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

الگوی پنجم: ارتباط فضای باز و بسته در مساجد دوران معاصر

امروزه برخی مساجد به دلایل مختلف اقدام به حذف حیاط می‌کنند و اساساً بسیاری از مساجد نوساز بدون فضای باز ساخته می‌شوند و بعضاً مساجد قدیمی نیز برای گسترش نسبت به حذف حیاط و فضای باز اقدام می‌نمایند. برخی مساجد به دلایلی مانند کوچکی فضا، دشواری نگهداری حیاط، دسترسی سریع از معبر به شبستان با مسقف کردن حیاط و بعضی با ساخت بنا در محدوده‌ی حیاط اقدام به گسترش فضای مسقف می‌نمایند. اما می‌توان از دلایلی از جمله رواج تفکر مدرن، گرایش‌های مادی و نگرش سودگرانه به زمین، عدم توجه به معنا و کیفیات فضایی حیاط نیز نام برد (سلمانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶)

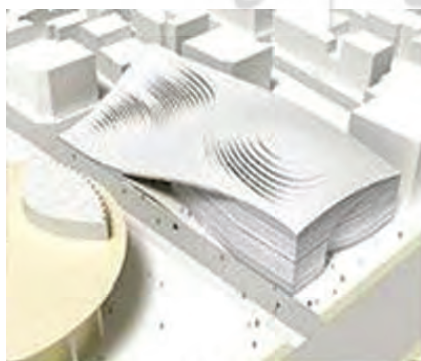


(ب)

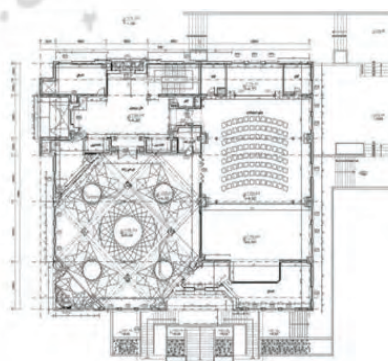


(الف)

شکل ۱- الگوی فضای باز و بسته در مساجد دوران معاصر



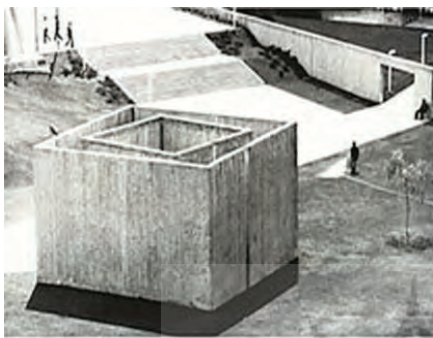
(ب)



(الف)

شکل ۲- (الف) پلان مسجد ولنجک تهران، (ب) مسجد ولی عصر تهران

در دوره معاصر در دسته‌بندی مساجد [۴]، مساجد کوچک محله‌ای را مسجدی که امکان ایجاد حیاط میسر نمی‌باشد تعریف کرده‌اند. مانند مسجد ولنجک در تهران که فاقد حیاط می‌باشد و طبق الگوی (الف) تصویر شماره ۱ طراحی شده است. یا برخی مساجد طبق الگوهای مدرن اروپایی طراحی می‌شوند. مانند مسجد ولی عصر در تهران که فاقد حیاط می‌باشد و طبق الگوی (الف) تصویر شماره ۱ طراحی شده است. برخی مساجد و نمازخانه‌ها نیز در عصر حاضر کالبدی متفاوت دارند. الگوی (ب) تصویر شماره ۱ که ساختمان مسجد بدون حیاط طراحی می‌شود، اما در بستری از فضای باز. مانند مسجد بیمارستان نمازی در شیراز که طبق الگوی (ب) تصویر شماره ۱ طراحی شده است. نمونه دیگر، می‌توان نمازخانه پارک لاله تهران را نام برد که طبق همین الگو طراحی شده است.



(ب)

(الف)

شکل ۳- الف) پلان مسجد بیمارستان نمازی شیراز، ب) نمازخانه پارک لاله تهران

حذف صحن از معماری مسجد و ایجاد ارتباط مستقیم و بی واسطه بین بیرون و درون مسجد در طرح‌های معاصر، نظم سلسله‌مراتبی گذار مؤمن از بیرون به درون را به شدت تحت تأثیر قرار داده و ضمن تقلیل خلوت و خصوصیت درون مسجد بر امکانات و تمهیدات مورد نیاز حضور قلب مؤمنین از جمله آرامش، تأثیر منفی دارد. تاریخ معماری مساجد تأکیدی آشکار به حضور فضای باز در عرصه‌ی مسجد و عبادت در آن دارد و نمی‌توان به طور کلی وجود حیاط در برخی مساجد را دلیلی بر حذف فضای باز از کالبد مسجد دانست. چرا که اینگونه مساجد عمدتاً به دلایل خاصی شکل گرفته‌اند و اساساً جنبه‌ی عمومی و الگووارگی ندارند.

جدول ۵- گونه‌بندی الگوی فضای باز و بسته در مسجد [۳]

گونه	اول	دوم	سوم	چهارم	معاصر
شکل					
مدل حجمی					
ویژگی	توده فضای در حیاط در ضلع و آن	توده فضای در دو ضلع مقابل به هم و حیاط ما بین آن‌ها	توده فضای در سه ضلع مجاور به هم (U) که حیاط درون آن‌ها قرار گرفته است.	توده فضای دور تا دور حیاط (الگوی حیاط مرکزی)	توده فضای به صورت متراکم و فشرده

فضای باز در مسکن

ویژگی‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری حیاط مرکزی در خانه‌های مسکونی

حیاط اصلی‌ترین فضای باز خانه به حساب می‌آید. به غیر از حیاط طیف متنوعی از فضاهای باز در ارتفاعات متفاوت وجود دارد (شکل ۴). اما آنچه در این پژوهش به عنوان فضای باز در خانه مطرح است، حیاط اصلی خانه می‌باشد.



شکل ۴- انواع فضای باز در سطوح ارتفاعی متفاوت در حیاط سنتی ایرانی، (خاوری، ۱۳۸۸: ۱۲۰)

حیاط مرکزی (به خصوص در اقلیم گرم و خشک) کانون خانه‌های مسکونی به شمار می‌رود. فضایی که هم می‌خواهد حریم امن خانه را از نورها و تابش‌های آزاردهنده تابستان در امان بدارد و هم آن را در زمستان به کار ببرد. این نور در کنار سایه روشن‌های حیاط معنا می‌پذیرد و زیبایی دلپذیری در فضای حیاط مرکزی ایجاد می‌نماید. تابش آفتاب بر سطح آب نماهای موجود در فضای حیاط مرکزی علاوه بر زیبایی بصری، محیط را تلطیف نموده و رطوبت هوا را کنترل می‌نماید.

فاصله کارکردی به میزان سختی ارتباط بین نقاط مختلف گفته می‌شود. راهروها و مسیرهایی که ارتباط مستقیم فعالیت‌ها را برقرار می‌سازند، این فاصله را تقلیل می‌دهند. فواصل طولانی، تراکم رفت و آمد و تداخل فعالیت‌های یک مسیر، موجب افزایش فاصله کارکردی نقاط می‌شود. حیاط اصلی‌ترین جزء کالبدی خانه و به عنوان نگین ساختار هندسی خانه است. فاصله اصلی‌ترین عملکردهای خانه ایرانی از حیاط بسیار کوتاه بوده، از سویی دیگر با وجود عناصر وحدت‌بخش چون حوض آب این فاصله تقلیل پیدا کرده است.

مرکزیت کارکردی به سهولت دسترسی به امکانات مشترک گروهی، دفعات و زمان استفاده از قرارگاه‌ها یا مکان‌های رفتاری گفته می‌شود. حیاط دقیقاً در مرکزیت کارکردی خانه ایرانی قرار داشته و از این جنبه بیشترین کارایی را در تقویت حضور افراد دارد. حیاط خانه ایرانی قابلیت تغییر برای انجام فعالیت‌های مختلف را از طریق عناصر نیمه ثابت خود برقرار ساخته است. این تغییر انعطاف‌پذیری نامیده شده است. محیط‌هایی که قابلیت تطبیق‌پذیری را براساس الگوهای رفتاری جاری تأمین می‌کنند از موفقیت بیشتری در برقراری تعاملات اجتماعی برخوردار هستند.

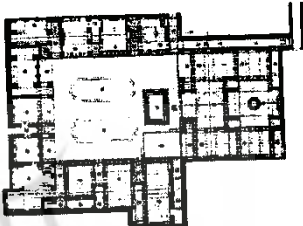
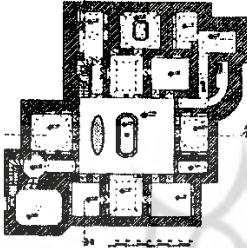
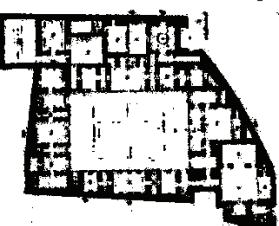
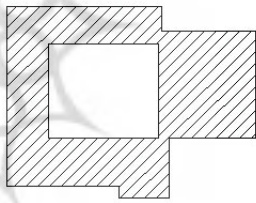
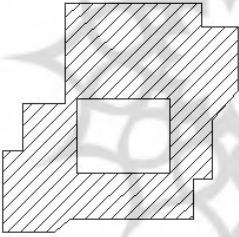
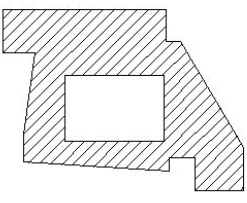
خانه‌های بومی کویر به واسطه فضای باز مرکزی که به سان قلب تپنده خانه عمل می‌کند، طیف وسیع نیازهای انسانی را برآورده می‌کنند. مقایسه این خانه‌ها با هرم مازلو حاکی از این مهم است که در این معماری تنها نیازهای سطح پایین انسانی از قبیل نیازهای فیزیولوژیک مد نظر نبوده‌اند، بلکه نیازهای سطح بالاتری از قبیل ایمنی، تعلق و عشق، عزت نفس، زیبایی‌شناختی و خود شکوفایی تأمین شده است. از این رو این خانه‌ها انسان محورند و اساس شکل‌گیری آن‌ها نیازهای انسانی و حضور معنادار او بوده است. به مدد طبیعت کوچک و شاداب حیاط، ارتباط با طبیعت که از حقوق اولیه انسان است، فراهم شده است. سازماندهی فضاها پیرامون خود علاوه بر اینکه اطلاعات معنایی و زیبایی-شناختی را یکجا دارا هستند، بستر مناسبی برای یادگیری انسان از آموزه‌های طبیعت و قوانین آفرینش ایجاد کرده‌اند. این حیاط‌ها نه تنها نیازهای کالبدی و آسایش جسم، بلکه آرامش جان را نیز به ساکنین تقدیم می‌کنند.

موضوع مهم و قابل بررسی دیگر در این خانه‌ها، نقش هویت‌مندی و هویت‌بخشی الگوی حیاط مرکزی است. هویت به معنای احساس تعلق و این همانی با محیط است و معیارهایی همچون احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی به منظور ارزیابی هویت تدوین شده‌اند. حیاط مرکزی بهشت خصوصی خانه است. به واسطهٔ تداوم حضور در این بهشت حس مکان، احساس تعلق و دلبستگی به مکان در ساکنین پدیدار می‌گردد. در واقع الگوی حیاط مرکزی واجد ویژگی‌های ارزشمندی است که هویت‌بخشی به کل بنا و حتی ساکنین را میسر می‌سازد.

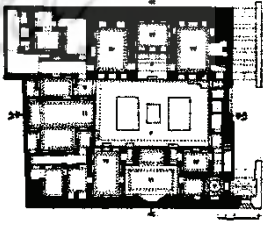
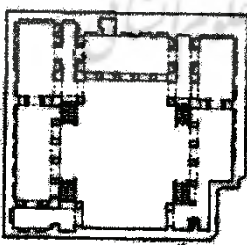
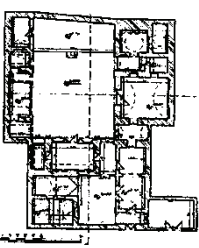
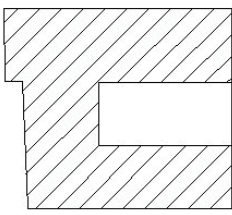
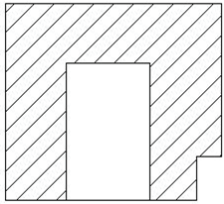
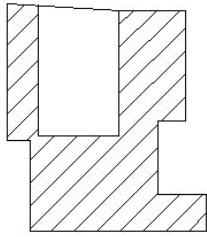
الگوی فضای باز و بسته در خانه

مجموع ۱۲ خانه نمونه در این پژوهش با توجه به نحوهٔ ترکیب فضای پر و خالی در چهار الگوی کلی و الگوی پنجم به عنوان الگوی معاصر دسته‌بندی شده‌اند که ویژگی‌های عمده آن‌ها به شرح جداول ذیل است: [۳]

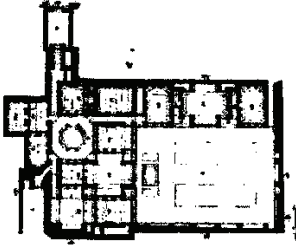
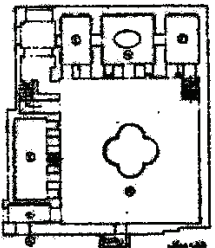
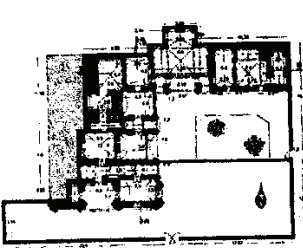
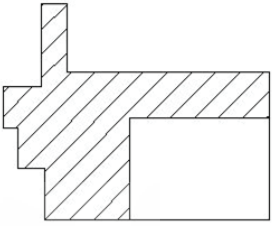
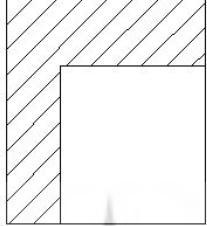
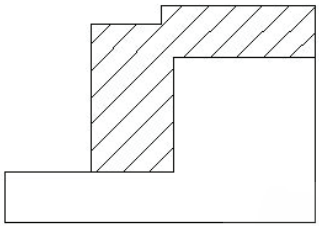
جدول ۶- الگوی فضای باز و بسته در خانه (گونه یک)

نام بنا	خانه درمیانی اصفهان	خانه اعظمی کرمان	خانه اخوان یزد
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

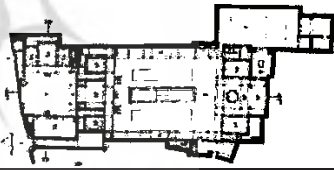
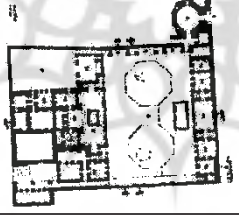

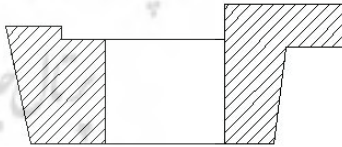
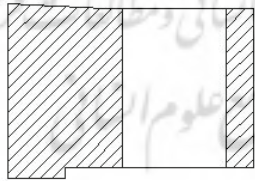
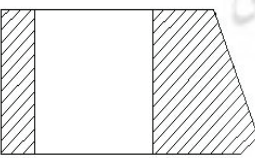
جدول ۷- الگوی فضای باز و بسته در خانه (گونه دو)

نام بنا	خانه زوولیان اصفهان	خانه صالحی شیراز	خانه بیناسیان رفسنجان
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

جدول ۸- الگوی فضای باز و بسته در خانه (گونه سه)

نام بنا	خانه کریمی اصفهان	خانه عطروش شیراز	خانه نصرت الممالک کرمان
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

جدول ۹- الگوی فضای باز و بسته در خانه (گونه چهار)

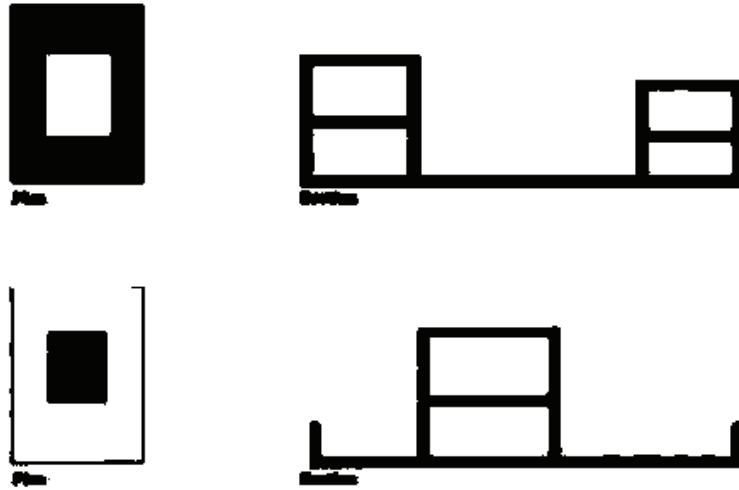
نام بنا	خانه اصفهانیان کاشان	خانه شیخ الاسلام اصفهان	خانه رافائل زاده شیراز
پلان بنا			
ارتباط فضای پر و خالی بنا			

الگوی پنجم: ارتباط فضای باز و بسته در خانه‌های دوران معاصر

معماری معاصر ایران در دوره قاجاریه نخستین تغییرات را در عناصر تزئین به خود گرفت. بنابراین الگوی غالب معماری مسکونی این دوره هنوز طبق روال گذشته درون‌گرا و با رعایت نکات فرهنگی و اقلیمی در جامعه شکل می‌گیرد. برخی کوشک‌های درون باغی دوره قاجار با الگوی برون‌گرا ساخته می‌شدند.

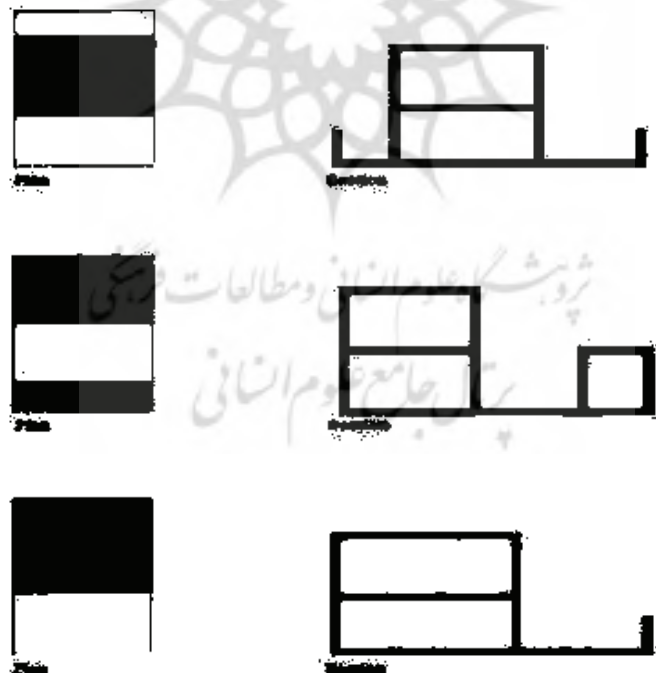
در دوره پهلوی اگرچه الگوی غالب پر و خالی مسکن ایرانی از درون‌گرا به برون‌گرا تبدیل شد و ارزش معنوی حیاط، امنیت، حریمیت، تقدس و بار معنایی و کارکرد اقلیمی آن کاملاً از دست رفت، اما هنوز کارکرد فیزیکی حیاط کم و بیش به صورت تضعیف شده‌ای وجود داشت و

ارتباط ساکنین با آن حفظ می‌شد. زیرا اکثر ساختمان‌های محله یک یا دو طبقه بودند و بنابراین می‌توان گفت که تقریباً اشرافی به داخل این حیاط‌های برون‌گرا از سمت همسایگان وجود نداشت.



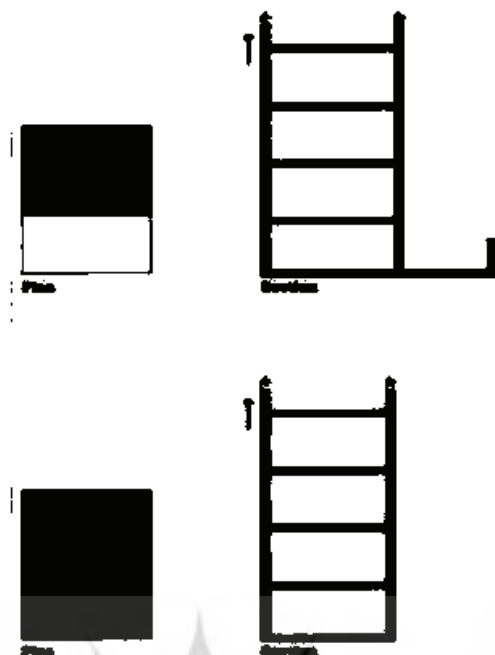
شکل ۵ - الگوی پر و خالی مسکن ایرانی در دوره قاجار، (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۶)

پدیده برون‌گرایی که در دوره پهلوی تنها در پلان دیده می‌شد، بعد از انقلاب اسلامی به بعد سوم یعنی ارتفاع نیز وارد شد. به علاوه ابعاد و اندازه این حیاط‌ها نیز به واسطه ضعیف شدن کارکرد آن، ضوابط محدود ساخت و ساز در شهرداری، گران شدن قیمت زمین به ابعاد حیاط در دوره پهلوی و قاجار کاهش یافته است.



شکل ۶ - الگوی پر و خالی مسکن ایرانی در دوره پهلوی، (همان)

تحول الگوی پر و خالی در دوره معاصر ایران، به دلایل متعددی سیر نزولی داشته است. افزایش جمعیت، افزایش نیاز به مسکن، گذر از زندگی سنتی، به زندگی مدرن، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها و... دلایلی هستند که به این سیر سرعت بخشیدند. نوع ارتباط فضای پر و خالی به تدریج جای خود را به یک گونه‌شناسی واحد داده است.



شکل ۷- الگوی پر و خالی مسکن ایرانی بعد از انقلاب اسلامی، (همان)

جدول ۱۰- گونه‌بندی الگوی فضای باز و بسته در خانه [۳]

گونه	اول	دوم	سوم	چهارم	معاصر
شکل					
مدل حجمی					
ویژگی	توده‌ی فضا دور تا دور حیاط (الگوی حیاط مرکزی)	توده‌ی فضا در سه ضلع مجاور به هم (U) که حیاط درون آن‌ها قرار گرفته است.	توده‌ی فضا در دو ضلع مجاور هم (L) و حیاط بین آن‌ها	توده‌ی فضا در دو ضلع مقابل به هم و حیاط ما بین آن‌ها	توده‌ی فضا در یک ضلع و حیاط در جلوی آن

با توجه به مطالعات انجام شده و بررسی اصول حاکم بر معماری سنتی ایران، ذو راهکار جهت استفاده از حیاط مرکزی در معماری معاصر ایران ارائه می‌شود که به شرح زیر می‌باشد:

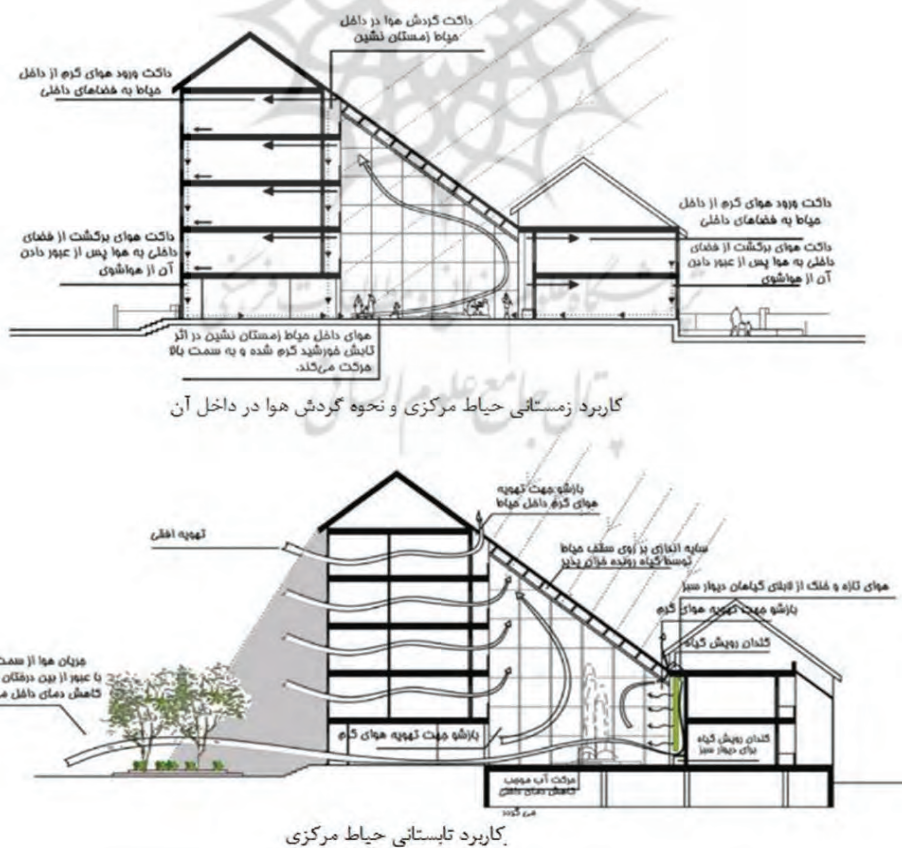
الف) استفاده از حیاط مرکزی با الگوی سنتی: در این حالت، فرم و جانمایی بناها دقیقاً براساس الگوی بومی مناطق و البته با رعایت موارد (۱) جهت‌گیری و فرم بنا در راستای بهره‌گیری از حداکثر نور؛ (۲) حذف و کاهش بازشوها در جداره‌های خارجی بنا و انتقال آن‌ها به جداره‌های داخلی در حیاط؛ (۳) استقرار کاربری‌های اصلی در جهت رو به تابش، می‌باشد.



شکل ۸- استفاده از حیاط مرکزی (طبق الگوی سنتی) در معماری معاصر

البته ذکر این نکته ضروری است که الگوی سنتی به همان فرم و با همان ابعاد و تناسبات، پاسخگوی نیازهای امروزه نیست. اما با نوین‌سازی الگو و تحول نهفته در آن با تغییراتی اندک در جزئیات و البته با تکیه بر مصالح، امکانات و تکنولوژی‌های نوین، این الگوی پایدار را دوباره ساخت و به شکلی کارآمد مورد بهره‌برداری قرار داد.

ب) استفاده از آتریوم‌های مرکزی: آتریوم یک فضای میانی مثل یک حیاط مرکزی در بنا است که دارای سقف شفاف و آفتاب‌گیر است و فضاهای مختلف ساختمان پیرامون فضای آتریوم شکل می‌گیرد.



شکل ۹- استفاده از حیاط مرکزی (طبق الگوی آتریوم) در معماری معاصر (مقدم‌فرد، ۱۳۹۴: ۷)

نتیجه گیری

نقش و تأثیر فضای باز (حیاط) در معماری و شهرسازی سنتی ایران بسیار گسترده است و ابعاد متعددی نظیر تعامل معماری و طبیعت، ایجاد وحدت کل و جزء تناسبات، خلق معماری پایدار، احیای مکان و حس مکان، حفظ و ایجاد هویتی فضایی، ایجاد تباين فضایی، ترکیب بندی و سازمان دهی فضایی، پیوستگی و تداوم فضایی، شفافیت، سیالیت فضایی، گشایش فضایی، توازن، تعادل و بسیاری موارد دیگر به واسطه وجود فضاهای باز در این معماری و شهرسازی میسر گشته است.

به نظر می رسد در شرایط معاصر معماری مساجد لازم است به مسئله فضای باز توجهی دوباره نمود. نکته بسیار حائز اهمیت در این زمینه امکان انجام عبادت در فضای باز است. متأسفانه یکی از عوامل اصلی حذف فضای باز در مساجد امروزی، انجام کلیه امور عبادی در فضای سرپوشیده مسجد است. بدیهی است که در این شرایط فضای حیاط بخشی بی کاربرد و یک فضای ذخیره برای گسترش مسجد تلقی خواهد شد؛ اما اگر به حیاط به عنوان فضای باز عبادی و نه صرفاً یک فضای تقسیم نگاه شود، چه بسا اصولاً نیاز به گسترش مسجد نیز از بین برود. ضمناً باید توجه نمود که آثار انجام عبادت خصوصاً به صورت جماعت در فضای باز علاوه بر تنوع، می توان به جنبه اجتماعی دین اسلام و بروز اجتماعی امت نیز اشاره نمود. از سوی دیگر اینگونه عبادت جمعی و عمومی در نقطه تقابل عبادت عزلت جویانه و گوشه گیر در سایر ادیان است.

امروزه حضور طبیعت در مسکن ایرانی در حد حیاط خلوت، پاسیو (حیاط محصور)، تراس و بالکن تضعیف شده است. مطمئناً هیچ کدام از این فضاها نمی توانند کارکردهای حیاط اصلی را در مسکن داشته باشند. حذف کارکردهای حیاط از مسکن ایرانی به منزله حذف طبیعت از فضاهای زیستی است که این موضوع با فرهنگ، نوع نگرش و جهان بینی روش زندگی و البته آموزه های دینی ما کاملاً مغایرت دارد.

فقدان الگوی با ارزش حیاط مرکزی و حذف بی دلیل آن از معماری معاصر ایران از یک سو و عدم جایگزینی الگوی مناسب برای آن از سویی دیگر، الگوهای وارداتی را به سوی این سرزمین سرازیر کرد و صدمات و ضایعات آشکار و پنهان بی شماری بر پیکره جامعه معماری امروز وارد کرده است. در این پژوهش با بررسی ۱۲ نمونه پلان مسجد و ۱۲ نمونه پلان خانه (مسجد و خانه، به عنوان دو عنصر مهم در شکل گیری شهرهای ایران) و بررسی فضای باز در مساجد و خانه های دوران معاصر و بدست آوردن گونه های ارتباط بین فضای باز و بسته در هر کدام، به یکسری الگوها در ترکیب فضای باز و بسته رسیدیم و با استفاده از ویژگی آن الگوها نتیجه گیری کردیم. نتایج پژوهش بر این مهم تأکید دارد که ارزش های مذکور در حیاط های مرکزی و اصول حاکم بر آنها قابلیت تداوم دارند و استمرار آنها در متن امروزی نیز می تواند کارآمد باشد. در اینجا ذکر این مهم ضروری به نظر می رسد که هدف پژوهش هایی از این دست، حفظ و تکرار فرم و اشکال گذشته و تقلید از آنها نیست، بلکه استفاده از الگوها و تجارب آنان و ایجاد صور جدید پیرو مفاهیم مد نظر است.

پی نوشت

۱- Robert Hillenbrand

۲- Henry Sterling

۳- قسمت هاشور خورده فضای بسته است و مابقی فضای باز می باشد.

۴- انواع مساجد: الف) مساجد محله ای، ب) مساجد ناحیه ای، ج) مساجد منطقه ای

فهرست منابع

- احمدی، ز. (۱۳۹۱). بازخوانی نقش گمشده حیاط مرکزی در دستیابی به معماری پایدار. نشریه شهر و معماری بومی، سال ۲، شماره ۲، صص ۲۹-۴۸.

- اردلان، ن. بختیار، ل. (۱۳۹۵). حس وحدت. ترجمه و نداد جلیلی، چاپ چهارم، انتشارات علم معماری، تهران.

- امین زاده، ب. (۱۳۷۹). حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمان. مجله صفا، دوره ۱۰، شماره ۳۱، صص ۴۰-۵۳.

- امین زاده، ب. (۱۳۷۶). حیاط مساجد، بررسی تاریخی و سیر تحول. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده؛ جلد اول، اصفهان، دانشگاه هنر.

- بهزادفر، م. (۱۳۷۶). معماری مسجد و نمای شهری. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده؛ جلد دوم، اصفهان، دانشگاه هنر.

- پیرنیا، م. (۱۳۹۵). سبک شناسی معماری ایرانی. تدوین دکتر غلامحسین معماریان، چاپ هفتم، انتشارات مؤلف، تهران.
- رحمانی، ا. نورایی، س. شکر فروش، ز. (۱۳۹۰). بررسی سیر تحول الگوی پر و خالی در مسکن معاصر ایرانی. نشریه آبادی، شماره ۷۰.
- زارع، ل. نقی زاده، م. حریری، ش. (۱۳۹۰). رابطه طبیعت و حیاط مرکزی (با نگاه به معماری مسکن ایرانی - کاشان). نشریه هویت شهر، شماره ۱۲، سال ۶، صص ۴۹-۶۰.
- عمادی، ز. (۱۳۷۶). حضور مسجد در بازار تهران. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده؛ جلد دوم، اصفهان، دانشگاه هنر.
- فرخزاد، م. مدیری دوم، ا. (۱۳۹۳). کنکاشی در اصول طراحی فضاهای باز با توجه به پیشینه معماری و شهرسازی ایران. نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۶، صص ۸۱-۹۵.
- قیادیان، و. (۱۳۹۳). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- کاتب، ف. (۱۳۹۱). معماری خانه های ایرانی. چاپ دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران.
- مدیري دوم، ا. (۱۳۹۲). طراحی مجموعه مسکونی با رویکرد حفظ جایگاه ارزشی فضای باز و احیای مفهوم باغ (باغ ایرانی). رساله کارشناسی ارشد معماری، راهنمایی: دکتر محمد فرخ زاد، مشاوره: دکتر مهدیه پژوهان فر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مازندران.
- مقدم فرد، ا. (۱۳۹۴). بهره بردن از الگوی حیاط مرکزی در راستای ایجاد ساختمان های مدرن با رویکرد انرژی های تجدیدپذیر. اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.
- مهدوی نژاد، م. مشایخی، م. (۱۳۸۹). بایسته های طراحی مساجد بر اساس کارکردهای فرهنگی - اجتماعی. نشریه آرمانشهر، دوره ۳، شماره ۵، صص ۶۵-۷۸.
- مهدوی نژاد، م. منصورپور، م. هادیان پور، م. (۱۳۹۳). نقش حیاط در معماری معاصر ایران؛ مطالعه موردی دوره های قاجار و پهلوی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۵، صص ۳۵-۴۶.
- نقره کار، ع. حمزه نژاد، م. باقری، ح. (۱۳۹۳). اجتماع پذیری در حیاط خانه ایرانی (شناخت ویژگی های تقویت کننده حضور در حیاط، از طریق تحلیل سکناس های سینمایی). نشریه معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷، صص ۴۵-۵۶.
- همتی، ش. ذبیحی، ح. کاملی، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر نقش حیاط مساجد در شهرهای اسلامی به عنوان فضای شهری. مطالعه موردی: صحن انقلاب اسلامی، حرم حضرت معصومه (س) قم. نشریه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۴، صص ۴۳-۵۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی